



## Community-Based disaster risk Management towards Sustainable Development

Khadijeh Karimi<sup>1</sup> & Ali Akbar Taghilo<sup>2</sup>

1. Phd in Geography and Rural Planning, Department of Geography, Farhangian University, Urmia, Iran. karimi.kh.am@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Geography, Urmia University, Urmia, Iran. a.taghilo@gmail.com

### Abstract

**Background and Purpose:** With the rise of natural disasters, different societies have continually sought to discover solutions to control or minimize the damage caused by unexpected events and to actually manage disasters. In the past few decades, the need for social participation to reduce disasters has increased. The community-based disaster risk management framework is growing. Therefore, this paper aims to evaluate the necessity and its aspects in order to evaluate the community-based model.

**Method:** The method, according to the analysis of community-based disaster risk management, is theoretical study based on library documents, and then the collected data were analyzed and described.

**Findings:** The research findings suggest that the community-based approach does not address the top-down approach deficiencies that have failed to address local needs due to neglect of indigenous resources and responsibilities, and seek to reduce people's vulnerability and improve planning and disaster management.

**Conclusion:** The survey shows that countries' ability to deal with risks depends heavily on disaster management policy. In order to improve social and economic affairs and reduce inequalities in society, developing a spirit of cooperation and motivating people to participate is one of the clear ways.

**Keywords:** Disaster, Community-Based Management, Sustainable Development, Vulnerability

**Citation (APA 6th ed.):** Karimi K, Taghilo A. (2020, Spring). Community-Based disaster risk Management towards Sustainable Development. *Disaster Prevention and Management Knowledge Quarterly (DPMK)*, 10(1), 59-73.

## مدیریت بحران اجتماع محور راهی به سوی توسعه پایدار

خدیجه کریمی<sup>۱</sup> و علی اکبر تقی‌لو<sup>۲</sup>

۱- دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه فرهنگیان ارومیه، ارومیه، ایران. karimi.kh.am@gmail.com

۲- دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. a.taghilo@gmail.com

### چکیده

**زمینه و هدف:** با افزایش بلایای طبیعی جوامع مختلف، پیوسته به دنبال کشف و ابداع راه‌حلهایی بوده و هستند تا بتوانند آسیب‌های ناشی از حوادث غیر مترقبه را به گونه‌ای کنترل نموده و یا به حداقل رسانند و در واقع بحران‌ها را مدیریت نمایند. در چند دهه گذشته ضرورت مشارکت اجتماعی برای کاهش بحرانها در قالب مدیریت اجتماع محور در برابر بلایا، در حال رشد است. لذا این مقاله با هدف ارزیابی مدل اجتماع محور به بررسی ضرورت و جنبه‌های آن می‌پردازد.

**روش:** این تحقیق با توجه به واکاوی مدیریت بحران اجتماع محور، به لحاظ ماهیت از نوع بنیادی- نظری است. در این تحقیق برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از روشهای اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده می‌گردد. با توجه به ماهیت و هدف تحقیق و با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای در این مقاله، به توصیف و تحلیل مفهومی داده‌های به دست آمده پرداخته‌ایم.

**یافته‌ها:** یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد اجتماع محور، کاستی‌های رویکرد بالا به پایین را که در نشان دادن نیازهای محلی به دلیل غفلت از منابع بومی و ظرفیت‌ها شکست خورده است، ندارد و به دنبال کاهش آسیب‌پذیری مردم، اصلاح برنامه‌ریزی و مدیریت بحران است.

**نتیجه‌گیری:** بررسی صورت گرفته نشان می‌دهد توانایی کشورها در رویارویی با خطرات، ارتباط زیادی به سیاست مدیریت بحران دارند. به منظور بهبود امور اقتصادی، اجتماعی و کاهش نابرابری‌های موجود در جامعه، توسعه روحیه همکاری و ایجاد انگیزه مشارکت در بین مردم، یکی از راههای روشن تشخیص داده شده است.

**کلیدواژه‌ها:** بحران، مدیریت اجتماع محور، توسعه پایدار، آسیب‌پذیری

◀ استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم ۲۰۱۰): کریمی، خدیجه؛ تقی‌لو، علی‌اکبر. (بهار، ۱۳۹۹). مدیریت بحران اجتماع محور راهی به سوی توسعه پایدار. *فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران*. ۱۰ (۱)، ۵۹-۷۳.



## مقدمه

متعارض می‌توانند با هم سازگار شوند و اقدام جمعی برای منفعت و مصلحت عمومی را صورت دهند. این رهیافت تلاشی است برای یافتن راه حل‌های جدید برای ضعف‌ها و شکست‌های ناشی از رهیافت بالا به پایین در فرایند توسعه روستایی که تاکید می‌کند بر توانمندسازی جوامع محلی و نقش مستقیمی که باید در فرایند توسعه جامعه خویش همراه با بخش دولتی و غیر دولتی داشته باشند. بنابراین، تنها ساکنین یک منطقه ارزش منطقه خود را از جنبه‌های مختلف می‌دانند و تنها آنها می‌توانند تضمین کنند که این ارزشها را چگونه می‌توان حفظ کرد. لذا مدیریت اجتماع محور گزینه مناسبی برای مدیریت کردن بحرانها و رسیدن به توسعه پایدار می‌باشد. در واقع مدیریت بحران اجتماع محور نشان می‌دهد که اجتماعات چگونه بحرانها را با مشارکتشان مدیریت می‌کنند که جامعه‌ای امن، مقاوم و تاب‌آور با اقتصاد قوی و کیفیت بالای زندگی برای آنها ایجاد کند (چان چن، ۲۰۰۶: ۱۵). این سیستم مدیریتی، مردم محلی را منبع بالقوه‌ای می‌داند که سهمین شدن و همکاری آنان ضامن پایداری است و نه مانعی برای آن. بنابراین این شیوه مدیریتی اگر بر اساس اصول علمی و احترام و اعتماد متقابل تدوین و اجرا شود، اهرم مناسبی برای تضمین پایداری منابع و معیشت جوامع محلی خواهد بود (بورنیت<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۰).

بنابراین مدیریت بحران اجتماع محور به عنوان روشی نوین در مدیریت بحران به منظور مشارکت تمام اقشار جامعه مطرح شد و از رویکردهای مهم در زمینه مخاطرات می‌باشد که به علت اینکه در برگیرنده مولفه‌های اجتماع محوری است، تاثیر به سزایی در کاهش آسیب پذیری و در نتیجه ارتقا و افزایش تاب‌آوری می‌شود (کافله<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸: ۱۷۵).

رویکردهایی که مبتنی بر مدیریت احتمال خطرپذیری اجتماع محور بودند، به علت ظرفیت سازی مردم برای مقابله با بحرانها و کاهش آسیب پذیری از طریق توسعه جوامع مقاوم و امن تر بهبود یافتند.

مدیریت ریسک اجتماع محور، مردم محور و توسعه محور است که آسیب پذیری مردم را در برابر بحرانها مد نظر قرار

رویارویی و یافتن راه‌حل‌های مناسب برای بحرانها، در گرو اتخاذ روشی موثر و کاربردی برای پژوهش، برنامه‌ریزی و اجراست. در مورد مدیریت بحران دو مکتب فکری وجود دارد. یک مکتب فکری اشاره دارد به این که باید یک سیستم از بالا به پایین داشته باشیم، مانند یک سیستم نظامی با یک سلسله مراتب دقیق و تعریف شده و چنین سیستمی در بدنه حاکمیت ایجاد شود که قاعدتا دارای سازمانی گسترده با تشکیلات وسیع خواهد بود. مبتنی بر این اعتقاد، برنامه‌ریزی برای مقابله با حوادث غیر مترقبه باید از بالا به پایین یعنی از سطح ملی به منطقه‌ای و سپس به سطح محلی برسد. به همین خاطر حمایت توده‌ای از طرحهای آمادگی در برابر فاجعه غالباً با دشواری روبه‌رو می‌گشت. بیشتر اوقات خطر وقوع حادثه و فاجعه‌ای در آینده از نقطه نظر قوانین مقابله، قابل مقایسه با مشکلات و مسائل روزمره نیست. به همین خاطر می‌توان مقامات و مسئولین محلی، بخش خصوصی و گروههای مختلف مردم را نسبت به خطرات آنان واقف نمود و از آنان خواست که هم و غم خود را برای مقابله با حادثه‌ای که هنوز روی نداده مصروف دارند (دراپک، ۱۳۸۳: ۷۸).

مکتب دیگر بر این پایه استوار است که اگر همیاری و همکاری مردم و شهروندان نباشد، هر مدیریت بحران بی‌اثر خواهد بود. بنابراین باید مدیریت بحران را نه در سازمان بلکه در جامعه نهادی کرد که به این منظور مدیریت بحران، یک مرکز به صورت هسته‌ای و محدود در بالا دارد و مابقی امور را شهروندان انجام می‌دهند (لایحه تشکیل سازمان مدیریت بحران، ۱۳۸۴: ۷). برای موفقیت در یک برنامه باید شرایطی ایجاد کنیم تا همه دیدگاه‌ها در آن، ملحوظ گردند. مشخص شده است که رویکردهای قدیمی توسعه جامعه، کاهش فقر و مدیریت بحران متمرکز بر کمک سازمانهای دولتی و غیر دولتی برای تهیه مستقیم کالاها، خدمات، زیرساختها برای جوامع فقیر، هدف است. در حالی که این نوع حمایت در عین ضرورت موفقیت آمیز، موثر و پایدار نبوده و باعث توانمند ساختن مردم نمی‌شد. بنابراین جوامع و متولیان توسعه به دنبال رویکردهای جدیدی برای توسعه پایدار بودند.

رویکردی که به صورت فرایندی مستمر منافع گوناگون یا

1. Borrini et  
2. kaffe



پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، دستیابی و ایجاد مدل اجتماع محور بسیار ضروری می‌باشد. در بسیاری از کشورها استفاده از رویکرد اجتماع محور با ایجاد مشارکت مردم و استفاده از ظرفیت‌های ناشناخته موجود در بین آنها به حل مشکلات اساسی در سطوح محلی و پایین جامعه تا سطوح بالای جامعه و هم‌افزایی در حل مسائل اجتماعی منجر شده است. در السالوادور پروژه «همکاری جمعی کلیه خانوارهای منتفع شونده از طرح مسکن سازی برای کم درآمدها» در محلات سانتا آنا، سان میگوئل، سون سوناته و اوسولوتان با اتکا به رویکرد اجتماع محور است. در کاستاریکا از جمله تجربیات قابل توجهی که با مشارکت مردمی به ویژه زنان برای تأمین مسکن به تحقق پیوست باید به مجتمع ساختمانی «گوارای» در حومه سان خوزه، پایتخت کاستاریکا اشاره کرد.

شهر «کوری تی با» در برزیل از نمونه‌های بارز اجتماع محور است. در این شهر به جای اینکه شهرداری‌ها برای حل مسائل شهری با حکومت مرکزی ارتباط برقرار نمایند و مشغول امور وقت‌گیر و هزینه‌بر شوند، به شیوه‌ی دیگری عمل می‌کنند. طرح «باز یافت زباله» در کوری تی با بیانگر اقدامات کم هزینه و مبتنی بر مشارکت مردمی برای بهبود محیط شهری است (کتاب چکیده مقالات، ۱۳۹۳: ۷).

استوار ایزدخواه و همکاران (۱۳۸۹) در طرحی با عنوان مطالعات بکارگیری امکانات خودامدادی محله‌ای برای کاهش پایدار خطر پذیری در برابر زلزله، به نقش آموزش و فعال نمودن مردم محلی و گروه‌های مختلف مردم در محله‌های هر شهر پرداخته‌اند. در این طرح فهرستی از پیش‌نیازهای برنامه‌ریزی پایدار محله ارائه شده و با ارائه ساختاری برای مدیریت بحران محله‌ای و بیان وظایف تمامی اهالی محل اعم از افراد خانواده‌ها در محلات، اقداماتی که مردم باید پس از وقوع زلزله انجام دهند، بر اساس محتمل‌ترین سناریو، به تفصیل تشریح شده است. نویسندگان بر اساس این مطالعه، به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به امکانات موجود در ایران و تجربیات حاصل از زلزله‌های گذشته، اجرای این طرح در سطح کشور امکان‌پذیر است. البته ممکن است مشکلات متعددی نیز وجود داشته باشد که مهمترین آنها متقاعد کردن قاطبه مردم برای اجرای این طرح است.

رویکرد اجتماع محور در ابتدا اجتماعی را بر حسب شاخص‌هایی

می‌دهد. این رویکرد مردم را در نشان دادن عوامل ریشه‌ای آسیب‌پذیر، با دگرگون ساختن ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که باعث نابرابری و عدم توسعه می‌شود، توانمند می‌سازد (شاه و کنجی، ۲۰۰۴). بامداخله همه مردم در تدوین نیازهای اجتماع، دیدگاه کامل و جامع‌تری به دست خواهد آمد. بنابراین رویکرد اجتماع محور در مدیریت بحرانهای داخلی و خارجی جوامع از اهمیت زیادی برخوردار شده است. این رویکرد در واقع عملکرد جدیدی نیست بلکه مدت طولانی است که انجام می‌گشته و امروزه تبدیل به یک دانش و مفهوم سیستماتیک‌تر شده است (الیور<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۹).

#### پیشینه

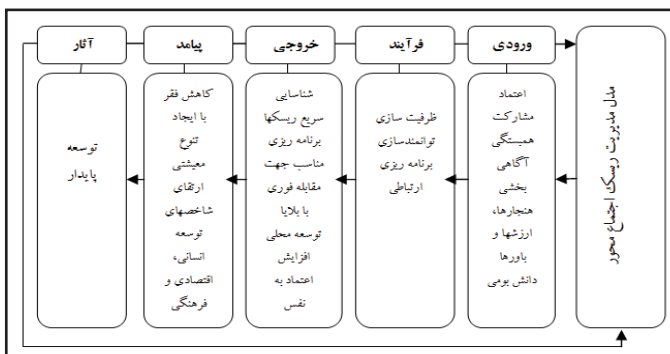
تاریخچه تحقیقات مشارکتی اجتماع محور را باید در کارهای کورت لوین، اورلاندو فالس بردا و جنبش آموزش مردم مدار پائولوفریر در آمریکای لاتین جستجو نمود. رویکرد اجتماع محور در اواخر دهه ۱۹۷۰ مطرح و طی دهه ۱۹۹۰ بطور جدی با پیشگامی و سرمایه‌گذاری بانک جهانی در تحقق بخشیدن به اهداف برنامه‌ها و پروژه‌های بهسازی شهری و کاهش فقر شهری بکار گرفته شد. این برداشت از رویکرد مذکور در کارهای بانک جهانی بیشتر به اجتماعات محلی آماده منسجم و برخوردار از ظرفیت نهادی محدود می‌شد. در این رویکرد تأکید اصلی بر مشارکت اجتماع محلی در مراحل مختلف اجرای پروژه‌های بانک در محلات هدف خصوصاً در فرایند تصمیم سازی است. رویکرد اجتماع محور علاوه بر اینکه از آثار مثبت مشارکت و وفاق اجتماع محلی بهره می‌جوید، منجر به ایجاد نوعی حس تعلق در میان مردمی می‌گشت که در اجرای طرح‌ها مشارکت داشته‌اند. سازمان‌های اجتماع محور (سام) نوعی خاص از سازمانهای مردم نهاد است که به صورت مستقل از دولت با هدف انجام تحقیقات اجتماع محور و ایجاد شرایط مناسب برای مداخله مردم در حل مشکلات از تعداد محدودی از یک اجتماع کوچک مانند محله یا... تشکیل شده است.

با توجه به افزایش روز افزون مشکلات و بحرانها و نقش سازمانهای اجتماع محور منبعث از رویکرد اجتماع محور در کنترل و

توسعه پایدار و رویکرد اجتماع محور در مدیریت بحران و نیز لزوم بهره‌گیری از آن در نظام مدیریت بحران کشور را بیش از پیش نمایان می‌سازد (جهانگیری، ۱۳۸۷: ۷۷-۸۵).

### روش

با توجه به واکاوی مدیریت بحران اجتماع محور، پژوهش حاضر از نظر ماهیت روش تحقیق، بنیادی - نظری است. از طرفی دیگر، در این مقاله به دلیل اسنادی بودن مطالعه، از مطالعه کتابخانه‌ای بهره‌گرفته شده است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، تماماً اسناد چاپی همچون کتاب، مقالات و متون علمی معتبر بوده است.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

### یافته‌ها

#### - ضرورت مدیریت بحران اجتماع محور

مدیریت بحران اجتماع محور در اواخر قرن بیست بوجود آمد. در حقیقت دولت‌های محلی از مشارکت شهروندان برای واکنش در برابر بلایا استفاده کردند. از چند سال پیش مدیریت بحران اجتماع محور با برنامه‌های مختلف در کشورهای مختلفی همچون کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا به اجرا درآمده است. به طور کلی هدف مدیریت بحران اجتماع محور تبدیل جوامع در معرض خطر یا آسیب‌پذیر به جوامع تاب‌آور است. گام‌های لازم در این زمینه عبارتند از:

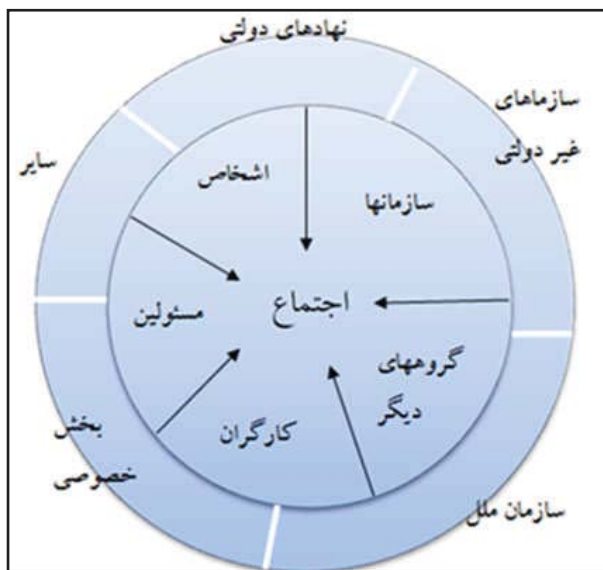
- ✓ شروع فرایندهای ارتباطی و گزارش‌گیری با کمک مردم؛
- ✓ درک وضعیت بحران و استفاده از مدیریت اجتماع محور؛
- ✓ ارزیابی احتمال خطر، ارزیابی تأثیرات اجتماعی مخاطرات، آسیب‌پذیری، ظرفیت‌ها و درک مردم از خطر؛
- ✓ تنظیم برنامه کاهش احتمال خطر، مشخص کردن اقدامات

نظیر آسیب‌پذیری انتخاب می‌نماید. پس از انتخاب، تحلیلی عمیق بر روی اجتماع انجام شده و زمینه‌های لازم جهت مشارکت افراد اجتماع در امر مقابله با مسائل بحرانی فراهم می‌شود. این توانمندی در سایه ظرفیت‌سازی در افراد ایجاد می‌شود که در نهایت انتظار می‌رود، با به‌کارگیری این رویکرد به اصلاح ساختاری اجتماع، توانمندی افراد برای حل مسائل اجتماعی و کاهش طرد اجتماعی منجر گردد.

مدیریت اجتماع محور رویکردی است که افراد در سطح محلی را در مدیریت احتمال خطرپذیری درگیر می‌سازد. مردم محلی همان‌طور که تکنوکرات‌ها به آن اشاره می‌کنند افراد درمانده‌ای نیستند، بلکه باید در کلیه فرایندهای مدیریت مشارکت داشته باشند. عدم استفاده از مردم منجر به ناپایداری فعالیت‌های کاهش خطرپذیری می‌شود. اگر برنامه‌های کاهش احتمال خطرپذیری بدون آگاهی از ظرفیت جامعه و اولویت‌های جامعه محلی صورت گیرد، تلاش صورت گرفته پایدار نخواهد ماند.

بنابراین مدیریت بحران اجتماع محور، یکی از ارکان مهم فعالیت‌های امروزی مدیریت بحران است. این رویکرد از طرف کارشناسان بحران در سراسر جهان نسبت به رویکردهایی که تنها بر جنبه ساختاری، فیزیکی، بالا به پایین تاکید می‌کنند پذیرفته شده است. از طرف دیگر مدیریت بحران اجتماع محور، رویکردی مبتنی بر توسعه است که هدف آن در بلندمدت ارتقا توسعه پایدار است؛ از این رو صاحب‌نظران معتقدند چنانچه ابتکارات مدیریت بحران اجتماع محور به منزله یک عنصر کلیدی در فراگردهای گسترده‌تر پیش‌گیری از بحران‌ها، برنامه‌ریزی توسعه پایدار و نهادسازی مورد توجه قرار گیرد، نسبت به زمانی که تنها به عنوان یک پروژه محلی با اهداف کوتاه مدت آمادگی در برابر وقوع بلایا در نظر گرفته شود، اثر بخشی بسیار بیشتری خواهد داشت (آلن، ۲۰۰۶: ۸۲). تاکید گزارش دبیرخانه راهبرد بین‌المللی کاهش بحران سازمان ملل متحد، بر تاب‌آوری در برابر بلایا، به منزله یکی از اجزای مهم توسعه پایدار از یک سو و قرار کاهش فقر، ایجاد توسعه پایدار و برخورداری مردم محلی از برابری در دستیابی به امکانات توسعه‌ای در میان اهداف اصلی این رویکرد از سوی دیگر، وجود ارتباطات متقابل میان اهداف

بازیگران داخلی؛ یا ساکنان منطقه که تحت تأثیر بحران حادث شده در منطقه قرار دارند و به علت واقع شدن در معرض بحران دارای آسیب پذیری بالایی هستند. بازیگران خارجی؛ خارج از اجتماع قرار دارند و اگر چه تحت تأثیر بحران حادث در اجتماع قرار ندارند اما خواستار کاهش آسیب پذیری اجتماع و افزایش ظرفیت‌ها برای مدیریت خطر بحران هستند، مانند: دیپارتمان‌های دولتی، بنگاه‌ها، سازمان‌های غیردولتی، سازمان ملل، بخش خصوصی و...



شکل ۲: گروه‌ها و ارکان مدیریت خطر بحران اجتماع محور (ابراکوئز، ۲۰۰۶: ۷).

در تقسیم‌بندی دیگری، بازیگران مدیریت خطر بحران اجتماع محور را می‌توان بر حسب سطوح کارکردی تقسیم‌بندی کرد (بولین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۱۴).

#### - سطح محلی:

به نقش اساسی مسئولان و دست‌اندرکاران محلی تاکید دارد. در سطح محلی اقدامات ویژه کاهش خطر بحران می‌تواند صورت پذیرد که بستگی به شرایط محلی و طبقه‌ای دارد و متقابلاً در تأثیر پذیری و اثرگذاری به آن قرار دارد. در شکل ۳ رابطه گروه‌ها و بازیگران اصلی مدیریت خطر بحران اجتماع محور در سطح محلی مشاهده می‌گردد.

آمدگی، اطلاع رسانی، آموزش و تعلیم؛

✓ تشکیل سازمان واکنش در برابر احتمال خطر سازمان‌بندی اجتماعی، بسیج، ظرفیت‌سازی و آمدگی در مدیریت اجتماع محور؛

✓ بکارگیری اقدامات، فعالیت‌ها، پروژه‌ها و برنامه‌های کاهش خطر در فازهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت مکانیسم‌ها، استراتژی‌های اجرایی و تقویت نهادی و سازمانی؛  
✓ نظارت و ارزیابی بهبود مستمر برنامه کاهش احتمال خطرپذیری، مستندسازی، انتشار تجارب و موفقیت‌ها برای استفاده دیگران.

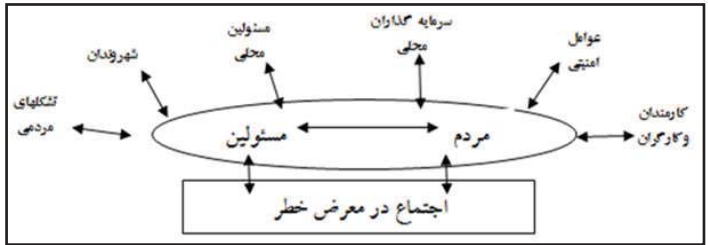
با وجود داوطلبان اجتماعی، کمیته مدیریت بحران و سازمان واکنش در برابر بحران، رابط ضروری یا کانالی برای گروه‌های بیرونی مانند سازمان‌های غیردولتی یا آژانس‌های دولتی برای حمایت و کمک به گروه‌های بزرگی از مردم هستند. گروه‌های اجتماعی و سازمان‌ها در مدیریت بحران، در فرایندهای کاهش احتمال خطرپذیری برای جوامع جهت مواجه شدن با اهداف آینده، ضروری هستند.

با مداخله همه مردم در تدوین نیازهای اجتماع، می‌توان به موفقیت‌های بیشتری دست یافت. به طوری که، مداخله مردم می‌تواند در تدوین واقع‌گرایانه‌تر نیازها و مسائل، بهره‌مندی از دانش بومی و ظرفیت‌های محلی، ایجاد حس تعلق خاطر مردم به برنامه، پایداری و پایایی برنامه، افزایش مشارکت مردم در اجرا و پایش آنها، کاهش بار مالی دولت‌ها و در پی آن افزایش احتمال موفقیت طرح‌ها و برنامه‌ها نتیجه بخش باشد.

#### - اجزا و ارکان مدیریت بحران اجتماع محور

بازیگران و دست‌اندرکاران معدودی در فرایند مدیریت خطر بحران اجتماع محور وجود دارند و بایستی تأکید داشت که ترکیب ایده‌آل این بازیگران و سازماندهی آنها بسته به شرایط و مقتضیات هر کشور متفاوت است. بر این اساس اجزای این فرایند را می‌توان بر حسب ماهیت عملکردی و سطح کارکردی طبقه‌بندی نمود. بر اساس ماهیت عملکردی، بازیگران و دست‌اندرکاران این فرایند به دو دسته عمده تقسیم می‌گردند. بازیگران داخلی و خارجی (ابراکوئز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۱۸).

می‌باشد. مردم باید در فرایندهای ارزیابی، برنامه‌ریزی و اجرا درگیر باشند. این رویکرد تضمین خواهد کرد که نیازهای واقعی و منابع، مورد توجه قرار خواهد گرفت. احتمال بیشتری وجود دارد که مشکلات با مداخله مناسب در این فرایند نشان داده خواهند شد.



شکل ۳: رابطه میان بازیگران فرایند مدیریت بحران اجتماع محور و روابط آنها در سطح محلی (بولین، ۲۰۰۳: ۲۰).

فرایندهای مدیریت بحران اجتماع محور دارای هفت مرحله پیاپی است که می‌تواند قبل یا بعد از وقوع بحران برای کاهش ریسکهای بعدی اجرا شود. هر مرحله مقدم بر مراحل قبلی رشد می‌کند و منجر به اقدام بیشتر می‌شود. به صورت پیاپی می‌تواند یک سیستم اجرا و برنامه‌ریزی را ایجاد کند که وسیله‌ای قدرتمند برای مدیریت ریسک باشد.

**انتخاب جامعه:** اولین گام، انتخاب جوامع آسیب پذیرتر در جهت کاهش ریسک است؛

**گزارش‌سازی و درک اجتماعی:** ایجاد ارتباط و اعتمادسازی با مردم محلی از ضروریات اولیه است. بعد از ایجاد ارتباط، موقعیت عمومی اجتماع در زمینه جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باید درک شود. بعد از مشارکت در ارزیابی ریسک‌ها درک عمیق ارزش‌های پویای جامعه صورت می‌گیرد؛

**ارزیابی مشارکتی ریسک بلایا:** یک فرایند شناختی برای معرفی ریسک‌هایی که جامعه با آن روبرو است و چگونگی غلبه بر این ریسک‌ها می‌باشد. این فرایند شامل ارزیابی مخاطرات، آسیب پذیری و ظرفیت است. به منظور ارزیابی درک مردم محلی از ریسک‌ها باید دزنظر گرفته شود؛

**برنامه‌ریزی مشارکتی مدیریت ریسک بلایا:** این مرحله بعد از تحلیل نتایج ارزیابی مشارکتی مردم از ریسک‌ها جریان می‌یابد. خود مردم اقدامات کاهش ریسک را معرفی می‌کنند که آسیب پذیری را کاهش می‌دهد و ظرفیت مردم را تقویت می‌کند. این اقدامات کاهش ریسک به برنامه مدیریت ریسک بلایا منتقل می‌شود؛

**ایجاد و آموزش سازمان‌های مدیریت ریسک اجتماع محور:** ریسک‌ها بوسیله سازمان‌های اجتماعی بهتر مدیریت می‌شوند و تضمین می‌کند که از طریق اجرای برنامه، ریسک‌ها کاهش خواهند یافت. بنابراین ایجاد سازمان‌های اجتماعی ضروری است و آموزش مدیران و اعضای سازمان‌ها، برای ظرفیت‌سازی مهم است؛

**اجرای مدیریت اجتماعی:** سازمان‌های مدیریت بحران اجتماع محور

- سطح منطقه‌ای:

به عنوان حلقه‌ای واسط میان سطوح ملی و محلی است و اختیارات آن از جانب سطح ملی تفویض می‌گردد و در واقع مجتمعی از چند سطح محلی است.

- سطح ملی:

سیستم مدیریت بحران ملی کارآمد، فعالیت‌های سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی را یکپارچه و منسجم می‌سازد (بولین، ۲۰۰۳: ۱۵).

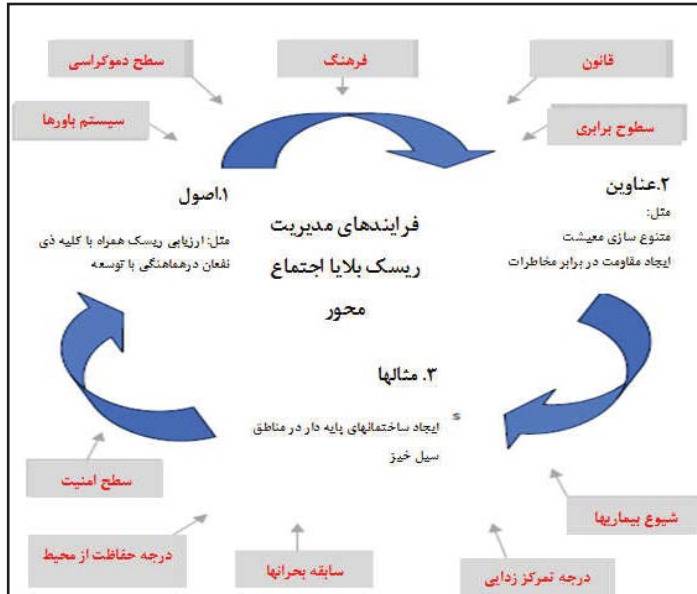


شکل ۴: رابطه میان بازیگران فرایند مدیریت بحران اجتماع محور و روابط آنها در سطوح مختلف (بولین، ۲۰۰۳)

- فرایندهای مدیریت بحران اجتماع محور

مدیریت بحران اجتماع محور فرایند مدیریت ریسک بلایا است که اجتماعات در معرض ریسک را در تعریف، تجزیه و تحلیل، عمل، ارزیابی و نظارت بر ریسک بلایا به منظور کاهش آسیب پذیری و تقویت ظرفیت‌ها شرکت می‌دهد. این به معنی آن است که مردم در مرکز تصمیم‌گیری و اجرای اقدامات مدیریت ریسک قرار دارند. در فرایند مدیریت بحران اجتماع محور، ارزیابی کلی از مخاطرات موجود و تحلیل آسیب پذیری، ظرفیت‌های موجود از اقدامات، پروژه‌ها و برنامه‌های اساسی، برای کاهش ریسک بلایا

فرهنگی و نفوذ قانون را نشان می‌دهد.



شکل ۵: روندهای مدیریت پایدار اجتماع محور بحران ( پائول ونتون ، ۲۰۰۸: ۱۲۱).

### – مولفه‌های کلیدی مدیریت اجتماع محور – اجتماع:

گروهی که می‌تواند در یک یا چندین مورد مانند محیط و محل سکونت در معرض خطر، که مواجه با یک بحران هستند، یکسان باشند. همچنین ممکن است دارای مشکلات، نگرانی‌ها، امیدها و روش‌های رفتاری مشابهی باشند. اجتماع اگر چه ممکن است واحد همانندی نباشد اما ترکیب پویایی از گروه‌های مختلف که دارای نگرش‌ها و علایق، احساس تعلق مشترک می‌باشند، هست.

اجتماع اصطلاحی است که دامنه کاربرد وسیعی دارد که شامل این موارد می‌باشد:

- اجتماع می‌تواند به صورت جغرافیایی بیان شود مانند گروه خانوارها، روستاهای کوچک و یا واحد همسایگی در شهر؛
- اجتماع می‌تواند با تجربه مشترک تعریف شود مانند گروه‌های ذی‌نفع، گروه‌های قومی، گروه‌های حرفه‌ای، گروه‌های زبانی، گروه‌های در معرض خطر ویژه و...؛
- اجتماع می‌تواند به گروه‌هایی که هم از کاهش خطرات و کاهش آسیب پذیری تأثیر می‌گیرند و هم قادر به کمک در کاهش آن هستند نیز اطلاق شود.

باید منجر به اجرای برنامه اجتماعی و انگیزه‌سازی اعضای اجتماع برای حمایت از فعالیت‌ها در برنامه گردد؛

ارزیابی و نظارت مشارکتی: یک سیستم اجتماعی است که اطلاعات پروژه‌ها در بین کلیه مردم جریان می‌یابد. مردم، کارکنان اجرایی و سازمان‌های حمایت کننده، سازمانهای دولتی و حامیان (ابركوژ، ۲۰۰۴: ۱۷ و ۱۸).

### – منافع مدیریت بحران اجتماع محور

آنلیز هیج منز (دانشگاه واخنینگن) با طرح پرسشنامه‌ای به ترسیم مشخصه‌های مدیریت ریسک اجتماع محور پرداخت و به نتایج زیر دست یافت:

"اقدامات در زمینه کاهش احتمال خطر باید توسط مردم صورت گیرد. بجای تمرکز بر روی اقدامات در یک زمینه خاص، اقدامات باید بر روی فرآیندهای چگونگی شکل‌گیری اجتماعی مداخلات (فرآیندهای اعتمادسازی، ارزش‌ها و نیروهای پویا، نتایج مذاکرات، مهارتها و دانش، ماهیت مشارکت و روش‌های مختلف نگرش به جهان) متمرکز گردد. نتایج قابل قبول مدیریت بحران اجتماع محور در یک منطقه و زمان خاص، ممکن است با نتایج مناسب مدیریت ریسک بحران اجتماع محور مناسب در محل و یا زمانی دیگر حتی در صورت استفاده از یک روش متفاوت باشد.

پذیرش اصول مناسب در فرایند مدیریت اجتماع محور بر اساس نمونه‌های موفق در این زمینه منجر به توسعه اقدامات مدیریت ریسک بلایای اجتماع محور خواهد شد. این نمونه‌ها شامل ایجاد ساختمان‌های پایه‌دار در مناطق سیل خیز یا معرفی محصولات خاصی است که مقاومت بهتر و بیشتری در برابر خشکسالی دارند.

فرایند مدیریت ریسک اجتماع محور بلایا در شکل ۵ نشان داده شده است. اصول مدیریت بحران اجتماع محور با توجه به نتایج نمونه‌های خاص مدیریت ریسک اجتماع محور بلایا، برای بهبود دوره‌های مختلف مدیریت ریسک اجتماع محور بلایا بکار می‌رود. نمونه‌ها و چگونه تأثیر آنها در کاهش خطر، باید در روند مستمر کاهش خطر به منظور بهبود راهکارهای اجرایی دنبال شود. این وضعیت در همه جا و بی‌اعتنا به مسائل دیگر اتفاق نمی‌افتد بلکه در یک زمینه ویژه اتفاق می‌افتد. زمینه تأثیرات بر روند مدیریت بحران اجتماع محور مانند سطح دموکراسی، عدم تمرکز، هنجارهای

حومه، محله، فضای جغرافیای سیاسی؛  
 ✓ اجتماعات محلی به مثابه سیستم اجتماعی؛ شبکه‌ها، ارتباطات و تعاملات میان مردم؛  
 ✓ اجتماعات محلی به مثابه منافع گروهی؛ گروه‌های ناهمگنی از مردم که دارای نیازها، وظایف، مشاغل، منافع و آرمان‌های مشترکی هستند (وریتی، ۲۰۰۷: ۱۰).

در یک اجتماع محلی مشارکت یعنی فرآیند بکارگیری توانمندی‌های فردی یا گروهی ذی‌نفعان برای دستیابی به یک هدف گروهی. آنچه در فرآیند مشارکت مهم است احساس نیاز برای حل یک مشکل، شناخت آن مشکل و احساس نیاز به همکاری گروهی با توجه به میزان دانش و توانمندی افراد و شناخت آنان از توانایی‌ها و امکانات موجود و حداکثر استفاده از آنهاست. مشارکت در یک اجتماع محلی از حساس شدن آغاز می‌شود که نخستین پله مشارکت است و پله بعدی، آگاه شدن و دانستن است.

مردم در یک اجتماع محلی حق دارند که از اتفاقاتی که در اجتماع آنها رخ می‌دهد باخبر باشند. پله بعدی، مشاوره و ارائه نظر از سوی مردم است. افراد در یک جامعه محلی، گروهی شرکت کرده و نظرات خود را مطرح می‌کنند. آنان در این مرحله نیازهای خود در اجتماع محلی را فهرست می‌کنند و درباره اولویت آنها سخن می‌گویند.

پله بعدی، نقش‌پذیری و مشارکت در فعالیت‌های اجرایی است. بعد از آن وارد پله‌ای می‌شوند که می‌توان آن را درگیر شدن فرد در جریان کار نامید به گونه‌ای که دیگر چیزی از فرآیند محسوب می‌شود و نمی‌توان او را از این فرآیند جدا کرد. وارد شدن در این فرآیند به معنای توانمند شدن مردم در جامعه محلی است.

اگر شناسایی نیاز مردم در سطح محلی توسط خود آنان به اقدام محلی بینجامد، منجر به مشارکت برای برآورده شدن نیاز می‌گردد. در عین حال که ممکن است نیاز منجر به تقاضا یا مطالبه شود، اما مشارکتی را بوجود نیآورد (نوری نشاط، ۱۳۸۸: ۵۶).

#### - اجتماع محلی و ظرفیت سازی:

ظرفیت اجتماعات محلی به مجموع دارایی‌های مالی، کالبدی و اجتماعی گفته می‌شود و سرمایه‌های مربوط به اجتماعات محلی نوعاً سرمایه‌ی اجتماعی و کالبدی را به طور توأمان شامل

از این رو اجتماع یک مفهوم جامعه‌شناسی است که محیط و حدود آن توسط هدف، اعتقادات، منابع، مزیت‌ها، نیازهای خطرات و برخی شرایط کلی دیگر که هویت و سطح توافق آن را شکل می‌دهد، تبیین می‌گردد. این تعریف بر این مطلب تأکید دارد که اجتماع، همگن و متجانس است اما در واقع اجتماع می‌تواند از نظر اجتماعی، متمایز و گاه متضاد باشد. علایق و ارزش‌های اعضای اجتماع ممکن است تا حدی ناسازگار نیز باشد بنابراین، لازم نیست یک اجتماع کاملاً همگن باشد (ابركوئز، ۲۰۰۶: ۱۱).

تصور کلی از اجتماع این است که اجتماع هماهنگ دارای همسانی علایق و آرزوها و مقید به ارزش‌ها و اهداف مشترک باشد. این تعریف دلالت بر این دارد که اجتماع همگن است در واقع اجتماع به لحاظ اجتماعی می‌تواند مختلف و متنوع باشد. جنس، طبقه، صنف، ثروت، سن، قومیت، مذهب، زبان و جنبه‌های دیگر، اجتماع را به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌کند. اعتقادات، علایق و ارزش‌های اعضای جامعه ممکن است متضاد باشد بنابراین الزاماً اجتماع همگن نیست.

در مدیریت بحران اجتماع محور، اجتماع می‌تواند گروهی در نظر گرفته شود که در یک یا چند زمینه اشتراک دارند یعنی مثلاً در یک منطقه سکونت دارند، در معرض حوادث مشابه قرار دارند و یا تحت تاثیر یک حادثه قرار گرفته‌اند (تویق، ۲۰۰۷: ۶). همچنین، مشکلات و دغدغه‌ها و امیدواری‌های مشترک راجع به خطرات بحرانی دارند. اگر چه مردمی که در اجتماع زندگی می‌کنند، توانمندی و آسیب‌پذیری متفاوتی دارند. به عنوان مثال مردان و زنان بعضی آسیب‌پذیرتر و یا توانمندتر از دیگرانند.

#### - اجتماع محلی:

نبیل حمدی<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) اشاره می‌کند که واژه اجتماعات محلی دارای دو بعد مکانی و اجتماعی است و به طور کلی مردم در اجتماعات محلی برای دستیابی به اهداف مشترک گرد هم می‌آیند؛ حتی اگر تفاوت‌های خاصی داشته باشند. جان‌لنگ اجتماع محلی را برای اشاره به شبکه‌ای از روابط متقابل شخصی یا گروهی به کار می‌برد. ویژگی‌های اجتماع محلی به شرح زیر است:

✓ اجتماعات محلی به مثابه مکان: موقعیت کالبدی، محل کار،

1. Twigg  
 2. Nabeel Hamdi





در واقع به کارگرفتن ظرفیت‌های موجود در اجتماعات به عقیده‌ی محققانی همچون چاپ من و کرک<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) مزایای ذیل را به دنبال دارد:

- ✓ توانمندسازی افراد و گروه‌ها در اجتماعات محلی مشخص؛
- ✓ توسعه‌ی مهارت‌ها، دانش و اطمینان؛
- ✓ افزایش پیوندهای اجتماعی و ارتباطات؛
- ✓ توزیع خدمات تشرگذار و سیاست‌های مبتنی بر نیازهای اجتماعات محلی و راه‌حلهای آن؛
- ✓ مباحث، گفت و شنودهای گروه‌ها در اجتماعات محلی؛
- ✓ مشارکت و درگیر شدن ذی‌نفعان در اجتماعات محلی؛
- ✓ تصمیم‌سازان تأثیرگذار و پاسخگو؛
- ✓ بسیج منافع جهت نیازهای مربوط به اجتماعات محلی؛
- ✓ پذیرش برنامه‌هایی که منجر به توسعه‌ی اجتماعات محلی می‌شود (چاپمن و همکاران، ۲۰۰۱: ۴).

#### - توسعه پایدار:

دومین مؤلفه مطرح در زمینه مدیریت اجتماع محور، مفهوم توسعه پایدار است. توسعه فرایندی است که ظرفیت مردم را در برابر چیزهایی که در مدیریت زندگی اجتماعی و سیاسی به آن نیاز دارند بالا می‌برد. بحران‌ها (طبیعی و انسانی) یکی از موانع اصلی توسعه پایدار محسوب می‌گردند. همواره وقوع آنها به عنوان سدی بر سر راه توسعه اقتصادی، اجتماعی و عمرانی قرار دارد. چنانچه شدت این بحران‌ها بیشتر باشد، برنامه‌های توسعه ملی با مشکلات بیشتری همراه خواهد بود. بسیاری از تمدن‌ها و جوامع بشری در اثر وقوع بلایای طبیعی از بین رفته‌اند. انسان نیز به بهره‌برداری غیرمنطقی وضعیت مدیریت منابع طبیعی، بر تعداد و شدت بلایا افزوده است. از جمله افزایش بی‌رویه جمعیت که بالطبع افزایش نیازهای غذایی (توسعه کشاورزی و دامپروری) سکونتگاه‌ها (توسعه مناطق شهری)، امکانات آموزشی - بهداشتی، تسهیلات رفاهی و... را به دنبال دارد که لازمه افزایش این نیازها استفاده غیراصولی، نامناسب و بی‌رویه از ثروت‌های طبیعی می‌باشد (عابدی، ۱۳۸۸: ۵۲-۶۵).

هرچند توسعه در بخش‌های گوناگون موجب رفاه بشر در سراسر جهان شده است اما در عین حال برداشت نادرست از این مفهوم زیان‌های

می‌شود (عارفی، ۱۳۸۰: ۲۲). انزر (۲۰۰۷) ظرفیت محلی را به توانایی جمعی ساکنان برای واکنش نشان دادن به فشارهای اجتماعی، اقتصادی، محیطی و ایجاد و تقویت فرصت‌ها و دیدن سرمایه‌های محلی در کنار نیازهای محلی اطلاق نموده است.

ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی رویکردی سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده‌ای است که با برنامه یا پروژه‌ی ویژه‌ای مرتبط می‌شود و معمولاً دارای مقیاس زمان‌بندی مربوط به آن نیز هست. هر فرایندی از ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی باید ارزش‌ها را تشخیص داده و بر پایه‌ی مهارت‌های موجود، دانش و استعدادهای مردمی باشد که تاکنون داشته و می‌توانند آن را ارائه نمایند. ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی موارد ذیل را در بر می‌گیرد:

✓ بالا بردن مهارت‌ها، دانش و اعتماد به نفسی که از طریق فرصت‌های آموزش و یادگیری حاصل می‌شود که می‌تواند طیفی از شبکه‌های غیر رسمی نامعتبر تا شبکه‌های رسمی معتبر را در برگیرد؛

✓ شبکه‌سازی و مشارکت در انجمن‌های پشتیبانی مختلف؛

✓ ارتقای ساختارهای سازمانی، سیستم‌ها و سازوکارهایی برای مدیریت پروژه‌ها، کارکنان، ساختمان و غیره؛

بر اساس تجارب قبلی در پروژه‌های ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی، همچون حمایت اجتماعی<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) از سوی مردم در سطوح راهبردی، عملیاتی و فردی، ویژگی‌هایی برای متناسب کردن خدمات عمومی محلی و تقویت اجتماع محلی به مثابه یک سازمان باید موارد زیر در ایجاد ظرفیت‌سازی مد نظر قرار گیرند:

✓ ظرفیت‌سازی بر اساس قابلیت‌های موجود مردم؛

✓ ظرفیت‌سازی بر اساس شبکه‌های مورد حمایت؛

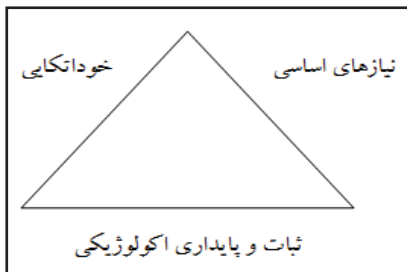
✓ از بین بردن تمایزات؛

✓ تسهیل نمودن خدمات نسبت به توزیع آن؛

✓ تشخیص مردم به عنوان دارایی

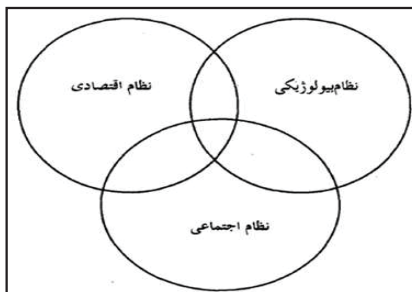
برخی اجتماعات بر این باورند که ظرفیت اجتماعات می‌تواند به عنوان ابزاری جهت حمایت از ارتباط میان مسائل مرتبط با ساختارهای پیش روی اجتماعی و انسانی، ابزار اجتماعی برنامه‌ریزی و ابزاری جهت توانمندسازی باشد (وریتی، ۲۰۰۷).

تکنولوژی و سازمان به گونه‌ای که طبیعت و انسان (جوامع انسانی) را مورد توجه قرار دهد، تعریف شده است. یک تعریف روشن و جامع می‌تواند عبارت باشد از همزیستی مسالمت‌آمیز میان انسان و محیط بدون تخریب و نابود کردن منابع.



شکل ۶: توسعه زیست بوم یا توسعه محیطی (به نقل از سی جی بارو) اهداف سیستم:

بیولوژیکی: حفظ تنوع زیستی / حداکثر کردن بهره وری /...  
اقتصادی: تامین نیازهای زیستی / برابری / کالاها و خدمات /...  
اجتماعی: نهادهای پایدار / عدالت اجتماعی /...



شکل ۷: توسعه پایدار (به نقل از سی جی بارو)

توسعه پایدار با داشتن یک هدف توسعه‌ای و دیدی فراتر از زندگی در درون مناسبات انسان - محیط، اهداف اجتماعی - اقتصادی را دنبال می‌کند.

سال ۱۹۸۷ کمیسیون جهانی محیط و توسعه برای نشان دادن تضاد بین محیط و اهداف توسعه، از توسعه پایدار استفاده کرد و از سال ۱۹۹۲ به این طرف، توسعه پایدار به عنوان یکی از مهم‌ترین پارادایم‌های توسعه برای اواخر قرن بیستم مطرح شده است.

اصولاً ارائه یک تعریف جهانی دقیق و صریح از توسعه پایدار امکان پذیر نمی‌باشد. توسعه پایدار، مفهومی چند بعدی است که از اصطلاح پیریجز<sup>۴</sup> (۱۹۹۴) تحت عنوان «معمای پایداری» اخذ شده است. در حالی که برخی استفاده از توسعه پایدار را به عنوان یک

جبران ناپذیری بر طبیعت وارد ساخته است که تأثیرات مخربی بر سکونتگاه‌های روستایی و شهری در پی داشته است. حاکمیت دیدگاه فن‌محوری و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی موجب شد تا تعادل اکوسیستم جهانی به هم بخورد و جهان با مشکلات زیست محیطی مواجه شود. به عبارتی دیگر، توسعه مهار نشده چنان آسیبی به زیست بوم می‌رساند که ضرورت کنترل منابع، حفظ محیط زیست، مدیریت محیطی، تنظیم مجدد رابطه انسان با محیط، سرانجام تجدید نظری در برداشت تا توسعه‌ای مطرح سازد. بدین منظور، توسعه پایدار مشتمل بر تنظیم و ساماندهی کنش متقابل انسان و محیط از یک سو و انسان با انسان از سوی دیگر شکل گرفت (یان گلدین<sup>۱</sup> وال آلن وینترز<sup>۲</sup>، ۱۳۷۹: ۲۴). البته باید گفت توسعه پایدار مفهوم جدیدی نیست. از دوره‌های ماقبل تاریخ، بسیاری از مردم به محدودیت‌های محیطی و برخی استراتژی‌های تکامل موفقیت‌آمیز و بقاء دراز مدت، آگاهی داشته‌اند: (مدیریت بهینه و حسن تدبیر مناسب).

با این حال تفکر در زمینه ملاحظات همبسته محیطی در امر توسعه، از اوایل سالهای ۱۹۶۰ شکل گرفت. به عنوان مثال کنفرانس بیوسفر یونسکو در سالهای ۱۹۶۸ (پاریس)، کنفرانس بین‌المللی جنبه‌های اکولوژیکی توسعه (واشنگتن، ۱۹۶۸) و کنفرانس محیط انسانی (استکهلم، ۱۹۷۲)، شوماخر لزوم توجه و تاکید به منابع تجدید شونده و اصلاح ساختار اقتصادی را صراحتاً گوشزد نمود. در همان زمان نیز باشگاه رم بحث بر روی محدودیت‌های رشد را که عمدتاً از زمان مالتوس در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم کنار گذاشته شده بود، مجدداً مطرح ساخت. استوک دیل<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) معتقد است، این گونه مباحث از آن هنگام که مجموعه‌ای از موضوع‌گیری‌های متضاد موافقین و مخالفین رشد پایدار گشت، فروکش نموده و این وضعیت، تصویری از توسعه پایدار است.

پیش زمینه توسعه پایدار، یعنی توسعه زیست بوم از اوایل سالهای ۱۹۷۰ توسط ساچز، اتحادیه حفاظت جهانی، برنامه محیطی سازمان ملل و برخی دیگر مطرح شد. توسعه زیست بوم به عنوان توسعه در سطح منطقه‌ای یا محلی، توأم با توانایی‌های بالقوه ناحیه‌ای و با توجه و تاکید بر بهره‌برداری عقلانی از منابع، کاربرد

1. Ian Goldin  
2. Alan Winters  
3. Stock dale

تعدیل نمایند. کشور ایران که دارای اقتصاد کشاورزی و نوصعتی است از این رو، وقوع بلایای طبیعی با شدت کم تأثیرات کوتاه و ناگهانی دارند. در حالی که بلایای طبیعی که دارای شدت بالایی هستند، تلفات و خسارات فراوانی را به همراه دارد و احتمالاً اجرای بعضی از برنامه‌های توسعه را با مشکل روبرو می‌سازد (سیل استانهای گلستان، لرستان و خوزستان در سال ۱۳۹۸). با توجه به شرایط کنونی سکونتگاه‌های انسانی، دستیابی به توسعه پایدار برای هر کشوری در جهان از اهمیت حیاتی برخوردار است. کمیسیون جهانی توسعه پایدار (۲۰۱۴) اعلام کرد که تخریب‌داری‌ها و معیشت در بحران‌ها به عنوان سدی جهت دستیابی به توسعه است و فقر راحتی برای مدتی از سال شدت می‌بخشد. تلاش برای پایان دادن به فقر شدید ممکن است در مواجهه با حوادث بحرانی آشکار شود که احتمال دارد وضع موجود، مستحکم‌تر شود. در بسیاری از کشورها، اثرات بحران‌ها در حال افزایش است که اغلب با رشد سریع و شیوه‌های توسعه ناپایدار همراه است که در معرض قرار گرفتن در برابر بلایا و آسیب‌پذیری جوامع، داری‌های سرمایه‌ای را افزایش می‌دهد. بنابراین بسیاری از دولت‌ها به طور مستمر تشخیص داده‌اند که کاهش ریسک بلایا پایه‌ای برای توسعه پایدار موفق است.

شکل ۸ نشان می‌دهد که موانع مختلف از جمله درگیری‌های سیاسی یا اجتماعی، بحران‌های مالی، بیماری‌هایی مانند سل، اچ‌آی‌وی، تخریب محیط زیست و بلایای طبیعی، دستیابی به توسعه پایدار را کاهش می‌دهد. به خصوص بلایای طبیعی در ترکیب با عوامل دیگر پیامدهای ویرانگری دارد. در نتیجه مدیریت ریسک بلایا برای تحقق توسعه پایدار ضروری است.



شکل ۸: توسعه پایدار و بحران‌ها (آجی سیف، ۲۰۱۵: ۷)

دستورالعمل یا هدف کلی مایه خرسندی می‌دانند، برخی دیگر به اتهام و عدم وجود توافق عمومی درباره معنی آن و ترس از اینکه در پس ظاهر فریبنده خود می‌تواند مسائل ناخوشایندی را پنهان نماید، بر آن خدشه وارد می‌کنند. عده‌ای نیز صراحتاً مخالفت خود را با توسعه پایدار ابراز می‌دارند؛ با این همه بسیاری نیز تنها به صورت زبانی و متملقانه از آن طرفداری می‌کنند. توسعه پایدار رو به تکامل است و گروه‌های علاقمند به شیوه‌هایی متفاوت، آن را توجیه و تفسیر می‌کنند؛ شیوه‌هایی که منعکس کننده اعتقادات آنها نسبت به مفهوم توسعه است. برخی تعریف مبهمی را از توسعه پایدار مطرح کرده، مدعی هستند که این شیوه از توسعه این امکان را فراهم می‌آورد تا زمینه‌ها و وجوه مشترک میان موقعیت‌های ناسازگار با محیط و توسعه از طریق این مفهوم میانی دنبال شود. مردوخ طرح مشابهی را پیشنهاد کرد که در آن توسعه پایدار دارای نیروی بالقوه‌ای است که تجزیه و تحلیل‌های چند رشته‌ای را گسترش می‌دهد. ژاکوب توسعه پایدار را به منزله ارائه چارچوب مفهومی برای فرایند توسعه تلقی می‌کند و ریس آن را فرصتی برای تغییر مؤکد توسعه از ملاحظات کمیته به کیفیتی می‌داند. توسعه پایدار را همچنین به عنوان خط‌کش و معیاری می‌نگرند که به وسیله آن توفیق در دستیابی به اهداف زیست محیطی و توسعه‌ای مورد قضاوت و ارزیابی قرار گیرد. اشمیدهنی<sup>۱</sup> نتیجه می‌گیرد که توسعه پایدار، مدل نیست بلکه خطوط راهنما را ارائه می‌کند. به طور کلی توسعه پایدار، توسعه‌ای است که توانایی نسل کنونی برای برآورده ساختن نیازهای نسل بعدی را به خطر نمی‌اندازد (کمیسیون جهانی توسعه محیط، ۱۹۸۷).

#### - توسعه پایدار و مدیریت بحران

بلایای طبیعی با از بین بردن تدابیر چند ساله توسعه، مانع برنامه‌ریزی توسعه می‌گردند. به عنوان نمونه پیشرفت‌های زیربنایی مانند سیستم‌های حمل‌ونقل، مراکز مسکونی، خدماتی و آموزشی و... با وقوع سیل، زلزله و... تخریب می‌شوند (عابدی، ۱۳۷۷: ۶۲). اثرات بلایا با گذشت زمان می‌تواند توانمندی‌های بالقوه دراز مدت یک کشور جهت توسعه پایدار را کاهش داده و باعث می‌شود تا دولت‌ها به ناچار برنامه‌ها و اولویت‌های توسعه اقتصادی خود را به نحو قابل توجهی

1. Schmidheiny  
2. WCED

همان‌گونه که شکل مذکور نشان می‌دهد، منابع طبیعی، مواد خام مورد نیاز تولید را فراهم می‌کنند که مشاغل و منافع گروه‌های ذی‌سهم بدان وابسته هستند. مشاغل، نرخ فقر را تحت تأثیر قرار می‌دهند و نرخ فقر نیز خود به جرم و جنایت مربوط می‌شود. کیفیت آب و مواد خام مورد استفاده در تولید بر سلامتی اثر می‌گذارند. همچنین این عوامل بر منافع گروه‌های ذی‌سهم تأثیراتی دارند. اگر عملی به آب تمیز به عنوان یک نهاد نیاز داشته باشد، پاکسازی آب دارای کیفیت پایین، پیش از انجام عمل فرآوری، هزینه اضافی است که منافع را کاهش می‌دهد. همین‌طور هم مسائل سلامتی چه به دلیل مسائل کلی کیفیت هوا و چه به جهت قرار گرفتن در معرض مواد سمی خطرناک، روی بهره‌وری نیروی کار اثر گذاشته و به بالا رفتن هزینه‌های مربوط به بیمه سلامتی کمک می‌کنند (ماتورین هارت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹). پایداری نیازمند این نوع از دیدگاه یکپارچه از دنیا است به همین دلیل به معرف‌های چند بعدی نیاز دارد که پیوندهای میان اقتصاد، محیط‌زیست و جامعه را در یک اجتماع نشان بدهد.

در تهیه یک مجموعه موفق از معرف‌های اجتماع پایدار سه جزء مهم عبارتند از:

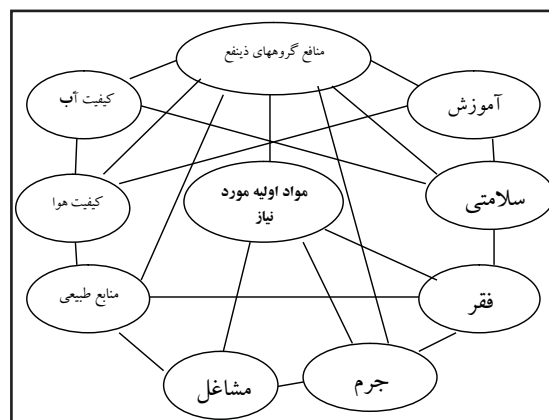
- شناخت مقاصد و اهداف؛
- گسترش معرف‌ها به عنوان روش‌هایی برای مرتبط ساختن این مقاصد و اهداف؛
- سازوکارهایی برای اجرای معرف‌ها در یک سطح خاص (کادر ۱). هدف معرف‌ها، چه از طریق برنامه‌های دولت محلی حمایت شوند و چه با رویکردی سازمان یافته و مبتنی بر نظرات اجتماع تهیه شوند، اندازه‌گیری و سنجش خصوصیات زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی، اجتماع محلی و پیوند دادن این معرف‌ها با کنش‌های خاصی است. در این ارتباط، انعطاف‌پذیری عنصر یکپارچه‌کننده‌ای محسوب می‌شود زیرا به موازات یادگیری و فراگیری اطلاعات نوین و بکارگیری آنها برای حل مسائل یا ارتقای فعالیت‌های موجود، ارزش‌ها و اهداف اجتماع نیز تغییر می‌کنند.

معمولاً بحران‌ها بر معیشت تأثیر گذاشته و توسعه پایدار، اقتصادی را که می‌تواند پیش شرطی برای قرار گرفتن در معرض بحران‌ها، حساسیت و آسیب ایجاد کند، غیر ممکن می‌سازد و فرار از فقر و اشکال منفی شکست توسعه را مسدود می‌کند. بحران‌ها با از بین بردن زیرساخت‌ها و ساختمان‌ها و قربانی شدن انسان‌ها، جامعه را با مشکل مواجه می‌سازند. بحران‌ها بر سه مؤلفه اصلی توسعه پایدار یعنی جامعه، اقتصاد و محیط‌زیست تأثیر منفی می‌گذارند. این عوامل نشان‌دهنده این است که مدیریت مناسب بحران ضروری است.

### اجتماع پایدار و ویژگی‌های آن

مفهوم دیگر در مدیریت اجتماع محور، مفهوم اجتماع پایدار می‌باشد. معرف‌های پایداری یک اجتماع به زمینه‌هایی اشاره دارد که پیوندهای میان اقتصاد، محیط زیست و جامعه ضعیف هستند. معرف‌ها امکان دید حد و حدود مسأله را فراهم ساخته و در زمینه ارائه راه حل آن مسائل کمک می‌کنند. آنها متفاوت از معرف‌های مرسوم پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی بوده و برای شناخت ارزش‌های اجتماع، توسعه اهداف بلند مدت و سنجش پیشرفت به کار می‌روند (جیل زاکاری<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵).

معرف‌های مرسوم و سنتی - همچون منافع گروه‌های ذینفع و کیفیت آب - تغییرات را در یک قسمت از اجتماع اندازه می‌گیرد به طوری که کاملاً مستقل از قسمت‌های دیگر هستند. معرف‌های پایداری این واقعیت را منعکس می‌سازند که سه بخش مختلف به گونه‌ای تنگاتنگ به یکدیگر مرتبط می‌باشند، همان‌گونه که در شکل ۹ نمایش داده می‌شود.



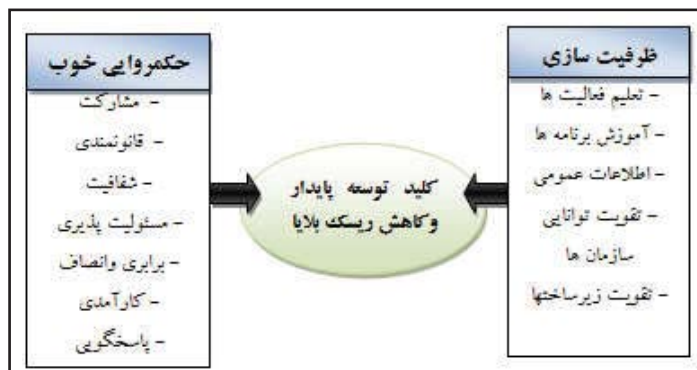
شکل ۹: جوامع شبکه‌ای از تعاملات موجود میان محیط زیست، اقتصاد و جامعه هستند

از طریق این ویژگی‌ها، دامنه‌ای از مسیرهای گذر و مطابق با آنها، معرف‌هایی برای دستیابی به پایداری اجتماع، تهیه و توسعه داده می‌شود. مفهوم «مسیرهای گذر» این است که افراد در یک اجتماع نیازمند روش جایگزینی هستند تا آنچه را که سعی دارند به دست بیاورند، بسنجند. این مسیرهای گذر، روش‌های اندازه‌گیری پیشرفت و سلامت اجتماع خواهند بود. «معرف‌ها» نیز شرایط، ارزش‌ها و اولویت‌های خاص یک اجتماع را منعکس می‌کنند (زاچاری و همکاران، ۱۹۹۵: ۵۵).

امیتای اتزیونی<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) در کتاب خود به نام «روح اجتماع» متذکر می‌شود که بر اثر تفکرات توسعه‌ای، جامعه در جهت حقوق فردی حرکت کرده و از توجه به مسئولیت‌های اجتماعی دور شده است. با این حال حرکت به سمت اجتماع بزرگتر به معنی کنار گذاشتن فردگرایی نیست بلکه به معنی ایجاد نوعی تعادل میان آرمان‌های مطلوب فردی و نیازهای اجتماع خواهد بود.

اجتماعات پایدار هزینه‌های اجتماعی و زیست محیطی مربوط به تصمیمات عمومی و خصوصی را بطور کامل محاسبه می‌کنند.

یک اجتماع پایدار به دنبال ارزیابی هزینه‌های کامل فعالیت‌های بخش عمومی و خصوصی است تا برنامه‌ریزی و دیگر تصمیمات خود را مبتنی بر آن تعدیل و اصلاح کند. در سال‌های اخیر دریافت «عوارض سبز» به عنوان نمونه‌ای از سازوکارهایی است که برای کنترل مصرف منابع در نظر گرفته شده است. چنین ابزاری می‌تواند نقش محکمی در جهت‌گیری‌هایی به سمت توسعه پایدار ایفا کند.



شکل ۱۰: عوامل موثر در توسعه پایدار و کاهش ریسک بلایا

### کادر ۱: کارکردهای چهارگانه معرف‌های پایداری اجتماع

گسترش معرف‌های اجتماع پایدار، چهار کارکرد ارزشمند ارائه می‌کند:  
 ✓ توانمند ساختن اجتماع برای شناسایی ارزش‌ها و اولویت دادن به آنها  
 ✓ کمک به افراد و گروه‌های مختلف اجتماع برای دستیابی به نتایج مورد انتظار  
 ✓ ایجاد دموکراسی از طریق تشریح مساعی مردم درگیر در فرایند ساخت اجتماع  
 ✓ فرصت دادن به مردم برای محاسبه موارد مهم و تصمیم‌گیری بر اساس نتایج و یافته‌های آنها.  
 معرف‌های پایداری این نکته را مورد سنجش قرار می‌دهند که آیا اجتماع به آنچه انتظار داشته، رسیده و آیا نتایج و پیامدهای حاصله، زندگی آنها را بهبود بخشیده است؟ (زاچاری، ۱۹۹۵: ۷).

در تعریف یک اجتماع پایدار، چهار خصوصیت که چارچوب مفهومی از یک اجتماع پایدار ارائه می‌کنند (در جدول ۱ نیز توصیف شده‌اند) عبارتند از:

- امنیت اقتصادی؛
- یکپارچگی اکولوژیکی؛
- کیفیت زندگی؛
- توانمندی توأم با مسئولیت‌پذیری (زاچاری، ۱۹۹۵: ۲۳).

### جدول ۱: خصوصیات یک اجتماع پایدار

امنیت اقتصادی	یک اجتماع پایدارتر فعالیت‌های متنوعی را شامل می‌شود، مانند صنایع و مؤسساتی که از نظر زیست محیطی (در همه جنبه‌ها) بی‌نقص و با ثبات هستند. از نظر سرمایه‌گذاری مانند‌گاردند؛ آموزش، تحصیل و دیگر اشکال کمک به سازگاری و انطباق نیازهای آینده را ارائه می‌کنند؛ اشتغال ایجاد کرده و پول را در داخل اجتماع صرف می‌کنند و این توانایی را به کارگران می‌دهد تا در اتخاذ تصمیماتی که آنها را متأثر می‌کند، سخنگو داشته باشند.
یکپارچگی اکولوژیک	یک اجتماع پایدارتر از طریق کاستن و تغییر مواد زاید و پسماندها به شکل تولیدات غیر مضر و سودمند (بازیافت) و با بکارگیری منابع زیست محیطی، به منظور رفع نیازهای انسانی بدون از بین بردن و تحلیل توانایی این منابع برای داشتن کارکرد در طول زمان، با نظام‌های طبیعی هماهنگی دارد.
کیفیت زندگی	یک اجتماع دارای پایداری زیاد، گسترش احساس رفاه و بهزیستی مردم را که در برگیرنده احساس تعلق، احساس مکانی، احساس خود ارزشی و عزت نفس، احساس سلامت و امنیت و احساس ارتباط با طبیعت است، تشخیص داده و از آن حمایت و پشتیبانی کرده و کالاهای و خدمات مورد نیاز مردم را بدون بر هم زدن یکپارچگی نظام‌های طبیعی تأمین می‌کند.
توانمندسازی و مسئولیت‌پذیری	یک اجتماع با پایداری بالا، مردم را قادر می‌سازد تا احساس توانمندی کرده و مبتنی بر یک دیدگاه و بینش مشترک، فرصت برابر توانایی دسترسی به تخصص و دانش مورد نیازشان و همچنین ظرفیت کمک به تصمیمی که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد، پذیرای مسئولیت باشند.

## نتیجه گیری

مدیریت اجتماع محور هرچند از نظر اجرایی دارای مشکلاتی خواهد بود ولی با فرهنگ سازی مناسب می توان از آن در مدیریت بحرانها استفاده نمود. تداوم این نوع مدیریت باعث می شود اگر رهیافتی ناشی از اتخاذ سیاستی، با شکست مواجه شود، به دلیل توانمندسازی قبلی بر اساس مشارکت اجتماع محور، باعث حضور فعال جوامع محلی در ریشه یابی و حل معضلات و مشکلات پیش آمده ناشی از بحرانها خواهد شد و تاب آوری جوامع محلی افزایش خواهند یافت. بحرانها، پیامد حاصل ترکیب پیچیده ای از مخاطرات طبیعی و فرایندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در هر جامعه هستند. از این رو مدیریت بحران محلی با رویکردی سیستماتیک با محوریت مشارکت مردم و با همکاری سایر نهادها، در یک روند اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می تواند نقش خود را به خوبی ایفا نماید و زمینه ای برای کم رنگ کردن مدیریت متمرکز و واگذاری امور به مردم و گامی نو در جهت اقدامات پیشگیری، آمادگی و مقابله با بحرانها در سطح نهادهای محلی خواهد بود.

امروزه به تجربه ثابت شده است که بلایای طبیعی فقط زائیده مشیت الهی نیستند. اشتباهات انسان، عدم دوراندیشی و برنامه ریزی سبب تشدید بحرانهایی می شوند که پیش بینی زمان و مکان وقوع آنها دشوار است. در چنین شرایطی، دوراندیشی و گروهی عمل کردن انسانها در کشورهای توسعه یافته موجب کاهش خسارات این گونه بحرانها شده است. پس پرداختن به شیوه های سنتی و عدم توجه به مسائل اجتماعی و اقتصادی، موفقیت کمتری در مدیریت بلایای طبیعی دارد. این در حالی است که با روش نوین مدیریت بحران با تکیه بر رویکردهای اجتماع محور و مشارکتی، آسیبهای ناشی از بلایای طبیعی کاهش یافته و از مسائل روانی و اجتماعی مردم تحت تأثیر قرار گرفته، کاسته می شود. در حقیقت می توان گفت توانایی کشورها در رویارویی با خطرات بستگی زیادی به سیاست مدیریت بحران دارند. به منظور بهبود امور اقتصادی و اجتماعی و کاهش نابرابری های موجود در جامعه، توسعه روحیه همکاری و ایجاد انگیزه مشارکت در بین مردم یکی از راههای موفق شناخته شده است.

## منابع

- استوار ایزدخواه، یاسمین، حسینی، محمود (۱۳۸۹)، مطالعات بکارگیری امکانات خودامدادی محله ای برای کاهش پایدار خطرپذیری در برابر زلزله، انتشارات پژوهشکده مدیریت خطرپذیری و بحران، تهران
- دراپک، توماس و هواتمر، جرالده (۱۳۸۳). مدیریت بحران، اصول و راهنمای عملی برای دولت های محلی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، وابسته به شهرداری تهران.
- دبیرخانه ستاد پیشگیری و مدیریت بحران در حوادث طبیعی و سوانح غیرمترقبه. (۱۳۸۴). درآمدی بر لایحه تشکیل سازمان مدیریت بحران در حوادث طبیعی و سوانح غیر مترقبه کشور، تهران صص ۲۲-۲۱
- جهانگیری، کنایون، طیبی، سید جمال الدین، ملکی، محمد رضا و شهرام علمداری (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی مدیریت جامعه محور بلایا در کشورهای منتخب و ارائه الگویی برای ایران، فصلنامه پایش، شماره اول زمستان ۱۳۸۷ <https://www.magiran.com/paper/601071>
- عابدی، قدرت اله (۱۳۷۷) ف بررسی بلایای طبیعی و نقش آن در توسعه پایداری با تاکید بر ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر، دوره ۷ شماره ۲۸، صص ۶۴-۵۲
- عارفی، مهیار، (۱۳۸۰)، به سوی رویکرد دارایی مبنا برای توسعه اجتماع محلی، هنرهای زیبا، شماره ۱۰، صص ۳۳
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=33309>
- عابدی قدرت، (۱۳۸۸)، بررسی بلایا و نقش آن در توسعه پایدار با تاکید بر ایران مجله سپهر شماره ۲۸ سال هفتم [http://www.sepehr.org/article\\_29112.html](http://www.sepehr.org/article_29112.html)
- کتاب چکیده مقالات همایش ملی مسائل اجتماعی ایران و رویکرد اجتماع محور، ۵ اسفند (۱۳۹۳). برگزاری در دانشگاه اصفهان با همکاری انجمن جامعه شناسی ایران
- نوری نشاط، سعید (۱۳۸۸). مقدمه ای بر اصول و روش های توانمندسازی محلی، تهران: برگ زیتون.
- یان گلدین وال، آلن وینترز، (۱۳۷۹)، اقتصاد توسعه پایدار، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی) و عبدالرضا رکن الدین افتخاری، نشر بازرگانی، تهران
- Allen, Katrina. (2006). "Community Based Disaster Preparedness and Climate Adaptation: Local Capacity Building in the Philippines", *Disasters*, 30(1), P.81-101 <https://www.researchgate.net/publication/7264795>
- Aberquez, I, & Murshed. (2006). "Field Practitioners' Handbook. Klong Luang, Pathumthani: Asian Disaster Preparedness Center (ADPC), 15-17.
- Bollin, C. (2003). Community-based disaster risk management Experience gained in Central America, GTZ. 1-63.
- Borrini, Grazia, -Feyerabend, Ashish Kothari and Gonzalo Oviedo Adrian Phillips. (2000). Indigenous and Local Communities and Protected Areas: Towards Equity and Enhanced Conservation, Guidance on policy and practice for Co-managed Protected Areas and Community Conserved Areas, World Commission on Protected Areas.
- Etzioni, Amital. (1993). The Spirit of Community: Rights, Responsibilities, and the Communitarian Agenda, New



- York:Crown.323pp.
- Folorunsho M. Ajide.(2015). Financial Innovation and SustainableDevelopment in Selected Countries in West Africa, Journal of Entrepreneurship, Management and Innovation (JEMI).
- Hart, Maureen.(1999).guide to sustainable community indicators,internet homepage
- Oliver,P.E.(1999).: Formal Models of Collective Action. Annual Review of Sociology 19:27 – 300
- Keit Chapman.(2001). people, pattern and process.Edvard Arnold.
- Paul Venton.(2008). Methods of enhancing the sustainability and scale of community based disaster risk management findings from international action research, institute of water and environment, phd thesis, Cranfield university.
- Shesh kanta kafle and zubair murshed.(2008).Community- based Disaster Risk Managment for Local Authorities,participants workbook
- Twigg J.( 2007).“Characteristics of Disaster-Resilient Community.”A Guidance Note Version 1, DFID Disaster Risk Reduction Interagency Coordination Group.
- World Commission on Environment and Development(WCEDO. ( 1987). From One Earth to One World: An Overview. Oxford: Oxford University Press. the nice and role of GIS, available at:<http://www.livelihoods.org/post/docs/turmedi.rtf>
- Zachary, jill.(1995).sustainable community indicators: guideposts for local planning , community environment council,gildea resource center,usa.